

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Arts & Music

هنر و موسیقی

مصاحبه کننده: پیکار پامیر

تورنتو ۲۰۰۸

گفت و گوی اختصاصی با استاد شمس الدین مسرور آواز خوان ، نوازنده و آهنگ ساز افغانستان

استاد ! امروز از دیدار شما که بخاطر یک صحبت اختصاصی صورت میگیرد ، خوشحال هستم.

استاد مسرور : من هم از این دیدار شما خوشحالم ، بسیار خوش آمدید ؟

سوال : یقیناً شما نیاز به معرفی بیشتر برای خواننده گان عزیز ندارید ، زیرا فعالیت های مستمر چندین ساله ی هنری شما در کشور ، موجب شناخت وسیعتر تان در میان هموطنان گرامی ما بوده است . اجازه دهید از اینجا آغاز کنم که شما دقیقاً چه زمانی ترک وطن گفته و به کدام سال وارد کانادا شدید ؟

جواب : اولتر از همه از شما باید تشکر کنم که در چنین روز سرد و بارانی زحمت کشیده نزد ما آمدید . من حدود شش سال و چند ماه قبل با اعضای فامیل خود به کانادا آمدم . یعنی موقعیکه دو آسمان خراش شهر نیویارک بتاریخ یازدهم ماه سپتامبر ۲۰۰۱ مورد حمله ی افراد یا گروه مخالف و نابکار واقع شد ، من در کانادا بودم .

سوال : مجموعاً از چند سال به اینسو مصروف کار های هنری و بخصوص هنر آوازخوانی در کشور بوده چطور و از کجا شروع کردید ؟

جواب : عرض کنم که جمعاً مدت چهل و پنجسال میشود که من به فعالیت های هنری اشتغال دارم . یعنی از سالهای کودکی ، آنگاه که هنوز در صنف چهارم مکتب بودم ، بحیث عضو تیم ترانه فعالیت میکردم . در سالهای قبل ، مرحوم استاد غلام حسین پدر استاد سرآهنگ معلم موسیقی کودکانها بود . یکی از آن کودکانها در چوکات موسسه ی نسوان (زینب ننداری) قرار داشت و بعداً این تشکیلات وسیعتر شد و در گوشه و کنار دیگر شهر کابل هم تأسیس گردید . و در داخل مکاتب نیز در آن سالها تیم ترانه وجود داشت که پسان ها باساز ذوق زیاد و صدای خوبی که داشتم سر تیم ترانه هم شدم . اسم مدیر مکتب ما امان الله خان بود و خودش هم آواز خوبی داشت و در این راه مشوق خوبی برای ما بود . در آن سالها دستگاه رادیو افغانستان در پل باغ عمومی کابل موقعیت داشت و استاد غلام حسین مرحوم شاگردان خوش آواز مکاتب را در محور برنامه ی اطفال رادیو که بصورت زنده پخش میشد ، انتخاب کرده به اجازه ی اداره ی مکتب ، به پروگرام اطفال رادیو جلب میکرد . استاد موصوف اولین کسی بود که فرزندان خانواده های

زیادی را به موسیقی آشنا ساخت یا پای خانواده ها را بسوی موسیقی کشانید . یعنی قبل از آن ، اکثر خانواده ها ، پرداختن به موسیقی را بدعت میخواندند . استاد قیوم بیسید که خوشبختانه تا حال زنده و در مزار شریف سکونت دارد ، در برنامه ی اطفال بنام (کاکا منجانی) قصه میگفت و ضمناً یک یا دو پارچه ترانه هم در هر بار به نشر میرسانید و من شامل همان برنامه هم بودم . یعنی من در حدود چهل سال پیش تحت نظر استاد غلام حسین مرحوم به ترانه خوانی آغاز کرده و از آن طریق پایم به رادیو کشانیده شد . رادیو نیز در آن سالها ، چند ساعت در روز و بصورت زنده نشرات میکرد .

سوال : پس اولین آهنگ تان در چه زمانی ثبت و بصورت رسمی از رادیو افغانستان به نشر رسید ؟
جواب : من وقتی به رادیو افغانستان آشنا شدم ، در آنجا استاد محمد عمر رباب نواز و استاد یعقوب قاسمی منتظم موسیقی حضور داشتند و جوانان را رشد میدادند . بعداً ، وقتی رادیو به تعمیر جدید در بی بی مهر و نقل مکان کرد ، محل سابقه ی رادیو در پل باغ عمومی که جای زیبایی بود به منظور پیشبرد کورسهای تدریس موسیقی اختصاص داده شد . در این کورسها ، استادان طراز اول مانند غلام حسین ، استاد نبی گل ، استاد غلام نبی ، استاد سلیم قندهاری ، استاد مجید ، استاد هاشم ، استاد خلاند ، استاد فقیر حسن ، استاد ملنگ ، استاد گل علم ، استاد امین الله ندا و تنی چند از استادان تاجکی ، آلمانی و امریکایی وجود داشتند که برای سه صد نفر شاگرد ، علم موسیقی تدریس میکردند و من آواز خوانی را در همان موقع و تحت نظر استادان مذکور شروع کردم . اولین آهنگ من ، یکی از آهنگهای فولکلوریک هرات باستان بنام (آهسته برو) بود که آنرا در سال ۱۳۴۴ به کمک مرحوم استاد محمد عمر خواندم و ثبت کردم .

سوال : تفاوت میان این آهسته برو و آهسته بروی شناخته شده معمول وطن چیست ؟
جواب : تفاوت در اینست که آهسته بروی فولکلوریک هرات در راگ بیروی و ریتم متفاوت خوانده شده و آهسته بروی معمولی و شناخته شده ی ما که در عروسی ها خوانده میشود ، در راگ کسترو و ریتم دیگر خوانده میشود .

سوال : چه تعداد آهنگ در رادیو و تلویزیون افغانستان به ثبت رسا نیدید ؟
جواب : بصورت دقیقتر باید بگویم که بیشتر از سه صد آهنگ در رادیو به ثبت رسا نیده ام و به تعداد شصت تا هفتاد آهنگ هم در تلویزیون افغانستان دارم که همه ی آهنگهای مذکور الحمد الله تا حال در آرشیف رادیو- تلویزیون موجود میباشند . اگر برخی از داشته های ارتشیف در سالهای قبل بیرون هم کشیده شده توسط خود افغانها صورت گرفته که شاید هم بخاطر نجات آن از جنگ غارت و نابودی زمان طالبان بوده باشد . اگر همه آهنگ هایم را که در افغان موزیک که توسط محترم آصفی تاسیس شده بود ثبت کرده ام حساب کنم ، مجموعاً شاید تا هزار آهنگ هم برسد ، چون در هر فیه حدود چهارده آهنگ ثبت کرده ام و تعداد این فیه ها زیاد است .

در سالهایی که آقای محمود حبیبی وزیر اطلاعات و کلتور بود ، شبی ، شاگردان کورس موسیقی بنام گروپ موسیقی جوانان که من هم در آن شامل بودم ، برنامه یی اجرا کردند و این برنامه مورد پسند وزیر مذکور که در محفل حاضر بود واقع شد و هدایت داد تا فردای همان روز همه شاگردان نزدش بروند که رفتیم و موصوف شاگردانی را که مکتب را تمام کرده بودند در دفاتر رادیو افغانستان مقرر نمود و ما بقی را هم در بخشهای موسیقی و هنر جذب کردند . در همان سال من هم کارمند رسمی دستگاه رادیو افغانستان شدم . باید گفت که پسانها ، (گروپ موسیقی جوانان) به نام (آرکستر جامی) مسما شد و تا مدتی فعال بود ، ولی پس از مرگ آقای ندا متأسفانه سقوط کرد .

سوال : شما علاوه از مصروفیت های هنری خاص خودتان ، کارمند ریاست رادیو افغانستان هم بودید که این خود ، مسوولیتی جداگانه بوده است ، با آنهم به چه تعداد از آواز خوانهای جوان کشور کمپوزها یا ساخته های خودتان را اهدا کرده اید ؟

جواب : چه عرض کنم . شما سوال خوبی را مطرح کردید . واقعا کمپوزیستور زحمت زیادی را متحمل میشود . امروز کسانی هستند که با غرور روی سٹیژ می آیند و بدون آنکه کمپوزیستور و شاعر را معرفی نمایند ، میگویند که حالا این یا آن آهنگ را میخوانم . این یک جفا و عدم امانتداریست ، گهگاهی حتا من خود در خانه ام نشسته ام ، می شنوم که آهنگهای مرا میخوانند و هیچ نامی از من نمی برند . من البته هیچ چیزی از آنها نمیخواهم ، آرزو اینست که لا اقل اصول امانت داری را رعایت نمایند . بهرحال ، من در گذشته ها دست تعداد زیادی از جوانان آواز خوان را گرفته و آنها را کمک کرده ام . آنان را به سندیو های رادیو برده آهنگهای شان را به ثبت رسانیده ام . مثلا ، آقای امانی را من برای اولین بار به رادیو کشانیده و کمپوزی بنام (چشمان خمار) را به اختیارش گذاشتم و آنرا برایش ثبت و نشر کردم . برای آواز خوانهای دیگر مانند خانم ژیللا ، خانم افسانه ، خانم ترانه ، خانم ناهید ، قاسم بخش ، سلیم بخش و کسان دیگری که اگر نام همه ی آنها را بگیرم سخن به درازا میکشد ، با اهدای کمپوز ها و دستگیریها هنری همکاری کرده ام .

سوال: ظرف بیشتر از شش سالیکه که گذشت چه کار ها و ساخته های هنری داشتید؟

جواب : سال اول که به کانادا آمدم چندان بلد نبودم ، ولی پسانها در حلقات فرهنگی و فیسثوالها اشتراک کردم . اتحادیه هنرمندان ایالت انتاریو بسیار فعال است . هرچند اعضای آن با من شناخت قبلی ندارند ، اما وقتی ارزش کار ها ی مرا دیدند ، فیصله کردند که مدال هایی برایم عنایت کنند . از رادیو و تلویزیون (سی بی سی) کانادا هم جوایز ی برای من اهدا کردند . حتا باری پریمیر یا صدراعظم ایالتی انتاریو مرا در آغوش گرفته اظهار کرد که " من افتخار میکنم که می بینم افغانها موفق هستند " . اتحادیه ی محترم افغانها و اداره ی افغان رساله در تورنتو نیز در این زمینه لطف کرده و تصدیق نامه هایی برایم سپرده اند.

سوال: شما در عین حالیکه یک آواز خوان و تار نواز خوب هستید ، آهنگساز خوبی هم میباشید ، هرچند شاید محدودیت ها و مشکلات محیطی و اقتصادی دامنگیرتان باشد ، ولی با آنهم ، آیا تا حال در قسمت تولید هنری و فرهنگی یا ثبت آهنگهای جدیدتان اقدام بعمل آوردید ؟

جواب: اولاً باید بگویم که در اینجا مشکلات مالی وجود دارد . وقتی شما به داخل یکی از سندیو ها غرض ثبت بروید ، مالک آن باساز دقیقه و ساعت از شما پول میخواهد و من آن مقدار پول لازمه را در اختیار ندارم و دوما ، چون از روز اول تا حال عاشق موسیقی اصیل وطن خویش بوده و تاحال ازین مکتب خاص عدول نکرده ام ، بنابراین ، آرزو دارم اگر اقدامی هم بکنم باید اقدام اساسی و اصولی و در برگیرنده ی موسیقی اصیل کشور ما باشد و این ، البته دقت بیشتر ، صرف وقت بیشتر و مصارف بیشتر را ایجاب مینماید . با آنهم دوحلقه سی دی را قبلاً آماده کرده ام ، دو یا سه حلقه سی دی و دی وی دی دیگر هم زیر کار است و امید دارم بتوانم آنها را هم در آینده به پایه ی تکمیل برسانم.

یکتعداد از آهنگها را میخواهم به آواز خوانانی که تقاضا دارند تقدیم کنم و یکتعداد دیگر آنرا که کاملاً اصیل اند ، بنام خودم در سی دی یا دی وی دی ثبت خواهم کرد . همچنان ، میخواهم چند نغمه ی اصیل افغانی را هم با تار (دو تار و رباب) ثبت کرده در موقعش به علاقه مندان تقدیم نمایم . به نظر من این ، یک کار با ارزش خواهد بود .

سوال : در میان جامعه ی کثیر العده ی افغانها در تورنتو جوانان و علاقه مندان موسیقی وجود داشته و ارزو دارند از شما بیا موزند ، آیا شما بخاطر گشایش صنوف تدریس موسیقی با همکاری بعضی از نهاد های افغانی مانند اتحادیه افغانها ی مقیم انتاریو و غیره اقدامی کردید؟

جواب : سوال خوبی است . تقریبا چهار سال قبل اقداماتی هم بعمل آمد و کار ها تا جایی صورت هم گرفت . در بخش تعیین شعر ، کمپوز ، ثبت و رهنمایی آواز خوانان ، تهیه ی وسایل مورد ضرورت و غیره گام هایی گذاشته شد ولی ، کار ها بعدا متاسفانه در نیمه راه متوقف گردید که علت آنرا درست نفهمیدم .

در افغانستان و در سالهای قبل ، اداره ی مسوول و حساب گیر در مطبوعات و دستگاه رادیو وجود داشت که اجازه نمی داد هر کس هرچه میخواست بکند یا بخواند . مثلا ، وقتی آواز خوان به سندیو ها غرض ثبت آواز خویش مراجعه میکرد ، پس از بررسی آهنگ و صدا و همچنان چگونه گی سر و لی و غیره ، موظفین فنی از وی می پرسیدند که آیا شعر مورد نظر ، دارای امضا و نشانی مسوولین شعبه ی مربوط ریاست رادیو هست یا خیر ؟ یعنی شعر و آواز قبلا بررسی شده یا نه ؟ اگر چنان بررسی ی وجود نمیداشت ، اصلا کسی به ثبت آهنگ اقدام نمیکرد .

سوال آخر : شما افت و خیز کاروان موسیقی افغانی در سالهای اخیر را چگونه ارزیابی میکنید؟

جواب : سوال مشکلی را مطرح کردید . باید گفت که در این دوران ، سیلاب ویرانگری در تلاطم است که همه چیز را دگرگونه کرده و میکند . من اصلا تلاش دارم تا خودم را از خساره ی این سیلاب جاری شده ی متلاطم در امان نگهدارم ، چه ماند به گفتن و اصلاح کردن دیگران . . .

باز هم تکرار میکنم که باید در قدم اول یک مرجع مسوول و حساب گیر ایجاد شود تا نگذارد موسیقی و فرهنگ ما به ابتذال رود ، در غیر آن اوضاع طوریست که هر کس هرچه دلش میخواهد همانطور میکند ، بدون آنکه احساس مسوولیت نماید . ادامه ی این روند ، یقینا خطر جدی یی را بر هنر موسیقی ما وارد خواهد نمود .

استاد ! هرگاه در پایان این مصاحبه ی اختصاصی ، صحبت دیگری داشته باشید بعنوان پیام ، پیشنهاد یا تذکر ، مکرو فون به اختیار شما خواهد بود .

جواب : تذکر و پیشنهاد اول من برای هموطنان عزیزم اینست که در عین حالیکه موسیقی جدید امروز را می شنوند ، لطفا موسیقی اصیل وطن شان را هم بشنوند و بشناسند که ارزش بلندی دارد . اگر ما موسیقی اصیل ما را نشنویم و قدر نکنیم و در حراست ان نکوشیم ، بالاخره این امانت بزرگ هنری از میان خواهد رفت و چیزی از ان همه ارزشها و غنیمت ها باقی نخواهد ماند . (پایان)